



# فصلنامه اندشه حقوقی معاصر

[www.lthjournal.ir](http://www.lthjournal.ir)



دورة چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

## بازاندیشی و ممیزی معیارهای سلبی و ايجابی رفتار قضایی در سیستم حقوقی ایران و سند بین المللی بنگلور

زهرا اکبری<sup>\*</sup>، محمد علی اردبیلی<sup>۲</sup>، محمد آشوری<sup>۳</sup>، نسرین مهران<sup>۴</sup>

۱. دانش آموزخانه دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
  ۲. استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
  ۳. استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

جگیده

اطلاعات مقاله

### نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ٦٩-٨٦

اطلاعات نویسنده مسؤول

تایفون

Al-Qur'an

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳/۰۶/۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

معیارهای رفتار قضائی، ایجابی و سلبی،  
اصول رفتار قضائی بنگلور، رفتارهای  
درون و پیروز از سازمان:



خوانندگان، این محله، احازه توزیع، ترکیب محدود، تعسیر جزئی، و کار دوی، حاضر به صورت غیرتحاری، را دارند.

© تمامی حقوق انتشار، این مقاله، متعلق به نویسنده می باشد.

## مقدمه

مدیریتی و نظارتی و حتی خود قضاط محترم گردیده که این امر سیستم قضائی ما را از عدالت و انصاف دور می‌نماید. از این رو نوشتار حاضر پس از توضیح مطالب کلیدی به تبیین معیارهای سلبی و ایجابی رفتار قضائی با تکیه بر سند بین‌المللی بنگلور می‌پردازد. یادآور می‌گردد استناد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی متفاوتی در این زمینه به رشته تحریر درآمده‌اند، لکن یکی از جامع‌ترین استناد بین‌المللی در موضوع اخیرالذکر سند بین‌المللی رفتار قضائی بنگلور است که حاوی شش ارزش بنیادین استقلال، بی‌طرفی، سلامت، نزاكت، برابری و صلاحیت و پشتکار است. بدیهی است باتوجه به خلاً وجود یک سند اخلاق قضائی جامع در نظام قضائی ایران بررسی مطالب اخیرالذکر الزامی می‌باشد. در همین راستا سؤالی که در این پژوهش به دنبال تبیین آن هستیم، این است که معیارهای سلبی و ایجابی رفتار قضائی در نظام حقوقی ایران و استناد بین‌الملل به‌ویژه سند بین‌المللی بنگلور چیست؟

### ۱- سیاست تقنینی

در این بحث ابتدا به بررسی سیاست تقنینی رفتار قضائی در سند رفتار قضائی بنگلور و سیاست‌های قانون‌گذار داخلی پرداخته و متعاقب آن سیاست‌های سلبی و ایجابی رفتار قضائی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

#### ۱-۱- سند بنگلور

سند رفتار قضائی بنگلور یک متن فرامی که توسط تعداد زیادی از جوامع حقوقی بین‌المللی، اعم از سیستم‌های حقوقی نوشتہ یا سیستم‌های حقوقی کامن‌لا و سایر مراجع حقوقی در راستای ایجاد یک سند یکپارچه حقوقی درزمنیه رفتارهای قضائی تهیی و تنظیم گردیده است. این سند فارغ از هرگونه محدودیت‌های ملی، مذهبی و قومی بیانگر رفتارهای سلبی و ایجابی قضائی مبتنی بر اخلاق و اصول مورد توجه جوامع حقوق بشری می‌باشد.

این سند، نتیجه بررسی و تلاش گروهی متشکل از قضاط عالی‌رتبه کشورهای مختلف، موسوم به گروه قضائی «تقویت یکپارچگی» می‌باشد که در سال ۲۰۰۰ میلادی به دنبال دهمین کنگره پیشگیری از جرم و رفتار قضائی با مجرمین در سازمان ملل با هدف تنظیم مجموعه قوانوخت برای تقویت یکپارچگی قضائی تشکیل گردید. بدین‌منظور این گروه به بررسی و تجزیه و تحلیل قواعد رفتار قضائی کشورهای مختلف

برای تحقق سلامت قضائی وجود استانداردهایی به منظور ارائه چارچوبی مشخص جهت تنظیم رفتارهای قضائی، تعیین معیارهای رفتار حرفه‌ای قضات و ایجاد رویه‌ای قانونمند و منسجم برای نظم‌بخشی رفتارهای مذکور الزامی است. مباحث مطرحه در این وادی حاوی شرایط سلبی و ایجابی و همچنین معیارهای اخلاق قضائی جهت انجام بهینه وظایف متصدیان امر می‌باشد. بدیهی است که وجود اصول و معیارهای سلبی و ایجابی جهت تعیین رفتار قضائی در داخل و خارج از دادگاه، داشت و تجربه کافی در کنار توانمندی قضات، شفافیت وظایف و وجود یک قانون جامع به همراه ارزشیابی‌های مستمر توفیق قوه قضائیه را رقم خواهد زد. تعیین شاخص‌های رفتار قضائی از مقوله‌هایی است که تمامی نظام‌های حقوقی در گذشته و حال بر آن تأکید داشته و دارند و این امر در نظام قضائی ایران نیز همواره مورد عنایت بوده است، زیرا عدم اعتماد به دستگاه عدليه مخرب مردم‌سالاری و توسعه می‌باشد.

در همین راستا یکی از کارآمدترین روش‌ها جهت تعیین معیارهای رفتار قضائی و جلوگیری از حدوث خطا و اشتباهات قضات، استفاده از استانداردهای معین بر مبنای حقوق بنیادین داخلی یا استناد بین‌المللی در حوزه‌های صلاحیتی مختلف می‌باشد که قانون‌گذار ما در سوابات گذشته سعی نموده با مشخص‌نمودن عوامل اخیرالذکر از بروز بی‌عدالتی در زمینه ارزشیابی منصوبین قضا و همینطور تضمین عدالت در رسیدگی‌های قضائی به منظور تأمین حقوق عامه همت و افراد مبذول نماید. از جمله این شاخص‌ها، معیارهایی است که در اصول بنیادین اسلامی بیان گردیده و به عنوان مهم‌ترین مبنا و شالوده قوانین موضوعه ماهوی و شکلی ما قرار گرفته‌اند. علاوه‌بر این با تعمق در استناد بین‌المللی که هدف عده آن حفظ کرامت و تأمین منافع حقوق بشر می‌باشد، معیارهایی مطرح گردیده است که در پرتو آن ضمن برخورداری افراد از یک دادرسی عادلانه و منصفانه حقوق شهروندی آن‌ها نیز رعایت گردد.

در مقوله تعیین، تدوین و تصویب معیارهای رفتار قضائی مقررات پراکنده‌ای به چشم می‌خورد، لکن پراکندگی و بعضًا وجود اجمال، کلی‌گویی و سکوت در برخی از قوانین خاص، باعث بروز مشکلاتی برای مراجعین به دستگاه قضائی، نهادهای

بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، مذهب، عقاید سیاسی یا غیر آن‌ها، سطوح ملی و اجتماعی، دارایی، ولادت یا وضعیت صورت گیرد، به استثنای اینکه این شرط که یک نامزد منصب قضایی باید تبعه کشور مربوط باشد، تعییض‌آمیز نخواهد بود. مدت تصدی منصب قضايان در جایی که چنین مدتی وجود داشته باشد، باید تضمین گردد. ارتقای قضايان در جایی که چنین سیستمی باشد، باید مبتنی بر عوامل عینی مخصوص توانایی سلامت و تجربی باشند. واگذاری پروندها به قضايان در دادگاهی که قضايان متعلق به آن هستند، یک امر داخلی مدیریت قضایی است (شاه حیدری پور، ۱۳۹۶: ۴۹).

اصول بنگلور مهم‌ترین سند بین‌المللی است که حاوی شش ارزش بنیادین استقلال، بی‌طرفی، سلامت، نزاكت، برابری و صلاحیت و پشتکار است. هدف از این اصول، تبیین معیارهای رفتار حرفه‌ای قضايان بهمنظور انجام هرچه بهتر وظایف قضایي و ایجاد یک چارچوب منسجم برای نظام‌بخشی رفتار قضایي است.

اغلب ارزش‌های مطرح در اصول رفتار قضایي بنگلور نظير برابری، بی‌طرفی، استقلال و نزاكت در نظام حقوقی اسلام دارای سابقه‌ای دیرین است، از جمله روایتی منصوب به حضرت علی (ع) که فرمودند: «من ابیتی بالقصاء فلیواس بینهم فی الاشاره والنظروفي المجلس؛ هرکس که عهده‌دار قضاوت می‌شود، باید برای طرفین دعوا در اشاره‌کردن، نگاه‌کردن و جای‌دادن، برابری كامل را رعایت کند» (فرحزادی، ۱۳۹۷: ۴۹).

## ۱-۲- سیستم حقوقی ایران

مطابق با اصل یکصد و شصت و سوم قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران، صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به‌وسیله قانون معین می‌شود. سابقه تقینی قوانین و مقررات انتظامی قضايان در ایران به گذشته‌ای نه‌چندان دور بازمی‌گردد. تا قبل از سال ۱۳۰۴ شمسی، علیرغم اینکه سازمان و تشکیلات مشخصی مانند اداره نظارت، برای رسیدگی به تخلفات قضايان در کشور موجود بوده، در خصوص تخلفات انتظامی قضايان و میزان مجازات آن‌ها، مقررات خاص و ویژه‌ای وجود نداشته است. متعاقب آن قانون اصول تشکیلات عدليه در سال ۱۳۲۹ قمری به تصویب رسید که به‌طور مدون مقرراتی برای رسیدگی به تخلفات قضايان پیش‌بینی نموده بود. در این راستا می‌توان به مواد ۱۷۹ و ۱۸۰ قانون این قانون اشاره نمود.

مبادرت نمود و در اجلاسي که در فوريه سال ۲۰۰۱ در شهر بنگلور کشور هندوستان تشکيل شد، پيش‌نويس اوليه قواعد رفتاري قضائي تنظيم گردید، اما باتوجه به اينکه اکثريت اعضاي گروه تنظيم‌کننده پيش‌نويس از کشورهای نظام حقوقی کامن لا (حقوق نانوشته) بودند، متن مذکور پس از اصلاحاتي در نوامبر سال ۲۰۰۲ در اجلاسي قضايان ارشد تعدادي از کشورهای داراي نظام قضائي رومي - ژرمني به تصويب نهايي رسيد. علت نامگذاري آن به سند رفتار قضائي بنگلور، تنظيم اين سند در شهر بنگلور کشور هندوستان است.

رفتارهای قضایي ايجابي و سلبي مندرج در سند بنگلور از منابع متعددی الهام گرفته شده است. اين منابع شامل اسناد بین‌المللی قوانین ملی رفتار قضائي، شرح‌های مربوط به آراء و تصميمات دادگاه‌های بین‌المللی منطقه‌اي، نظرات كميته‌های مشورتی اخلاق قضائي، مقالات و رساله‌های علمي می‌باشد. تنوع اسناد مختلف بین‌المللی حاکي از مقبوليت بالاي رفتار قضایي مندرج در اين سند دارد.

اين سند بین‌المللی نگاهي اخلاق‌مدارانه به ارزش‌های مذکور در آن داشته، هرچند که برخی از تهيه‌کنندگان سند فوق الاشاره هیچ ارتباطی با مذهب ندارند، اما ارزش‌های درج شده در آن به‌طور مستقيم از اخلاق سرچشمه گرفته است.

از متن سند رفتار قضائي بنگلور به‌مانند هر متن فراملي دیگري انتظار نمی‌رود که کاملاً منطبق بر آموزه‌های ديني و اخلاقی حکومت‌های اسلامي باشد، اما واقعیت اين است که چون مبنای تصویب آن اخلاق بوده و آموزه‌های دیني و مذهبی ما هم براساس اخلاق بنا گذاشته شده‌اند، بنابراین رفتارهای سلبي و ايجابي سند رفتار قضائي بنگلور انطباق زیادي با آموزه‌های ديني و قانوني ما در مورد رفتارهای ايجابي و سلبي قضائي دارد. می‌توان گفت اين سند بنیادين به‌گونه‌اي اخلاق‌مدارانه تهیي شده که حتی در جوامع مذهبی، مانند اسلام نيز قابلیت پذيرش دارد.

مطابق اين سند، افرادي که برای منصب قضايا انتخاب می‌شوند، باید افرادي برخوردار از سلامت و توانایي به‌همراه آموزش‌های شايسه حقوقی يا معلومات حقوقی باشند. هرگونه روش گزینش قضایي باید مصون از انتصابات قضایي برای مقاصد ناشایست باشد. در انتخاب قضايان باید هیچ‌گونه تعیيسي نسبت به افراد

است، با اعلام دادستان انتظامی مالیاتی، در دادسرای انتظامی قضاط رسیدگی می‌گردد.

ماده ۳۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحق موادی به آن، مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات و الحالات مورخ ۱۳۸۹/۰۵/۰۹ از دیگر قوانین مورد اشاره است که مقرر نموده: «دادگاه مکلف است مشخصات دقیق اموال مصادره شده را دقیقاً در حکم یا در حکم اصلاحی قید نماید، تخلف از مقررات مذکور موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالا می‌گردد.» همچنین در ماده ۳۹۲ قانون آینین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ است: «چنانچه قضاط شعبه دیوان عالی کشور، ضمن بررسی پروندهایی که جهت رسیدگی فرجامی در دستور کار قرار دارد، تخلف از ماده قانونی یا اعمال غرض‌یابی اطلاعی از مبانی قضایی را ملاحظه نماینده، ضمن اینکه این موارد را در گزارش خود می‌آورند، مراتب را به دادگاه عالی انتظامی قضاط نیز منعکس و ارسال می‌نمایند.»

در مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۰۸ قانونی تحت عنوان قانون وظایف و اختیارات رییس قوه قضائیه به تصویب می‌رسد که حسب بند «ب» ماده ۱ آن، بهنوعی اختیارات رییس قوه قضائیه را درخصوص تغییر محل خدمت قضاط در شهرهایی که با کمبود شدید قاضی مواجه‌اند، با تشخیص مصلحت و بدون رعایت قانون نقل و انتقال قضاط افزایش داده، برابر ماده ۴ این قانون نیز اختیاراتی درخصوص تعیین صلاحیت قضاط و تقسیم این صلاحیت به ۳ درجه با توجه به سوابق علمی و تجربی آنان، برای شخص رییس قوه قضائیه مقرر گردیده است.

النهایه قوه قضائیه لایحه تشکیلات دادرسرا و دادگاه عالی و نظارت انتظامی بر رفتار قضائی قضاط را تهیه و توسط دولت طی شماره ۱۱۲۳۵۲/۴۳۲۸۴ مورخ ۱۳۸۹/۰۵/۲۳ تقدیم مجلس شورای اسلامی نمود. نهایتاً پس از بررسی‌های انجام گرفته، در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۱۷ لایحه تقدیمی دولت تحت عنوان قانون نظارت بر رفتار قضاط تصویب و در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۲۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۴۶۳/۴۸۸۵۶ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۰۷ مجلس شورای اسلامی به دولت (رییس جمهور) جهت ابلاغ ارسال و متعاقب آن ریاست جمهوری طی شماره ۱۵۶۴۵۱ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۱۵ قانون مذکور مصوب را جهت اجرا، ابلاغ تا تشریفات درج و انتشار آن

همچنین ماده ۲۸۸ قانون مجازات عمومی، مقرراتی برای برخورد قانونی با قضاط را تعیین که دارای نواقص فراوانی بوده است، تا اینکه نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضاط و تعیین مجازات آن‌ها در ۱۳۰۴ به تصویب هیأت وزیران رسید (کاظم‌زاده، ۱۳۹۱: ۱).

قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۰۴/۰۵ یکی از اولین قوانینی است که پس از انقلاب اسلامی به تصویب رسیده و در ماده ۴۱، تبصره ۲ ماده ۴۷ و ماده ۸۷ آن مواردی از تخلفات دادستان یا نماینده وی را مورد توجه قرار داده است که حسب مورد به مجازات انتظامی کسر حقوق تا یک‌سوم از یک‌ماه تا شش‌ماه به حکم مراجع صالحه محکوم می‌شود. در «قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۶۸/۰۴/۰۴ در ماده ۳۲ آن به تأسی از قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، به تخلفات دادستان یا نماینده او اشاره گردیده، با این تفاوت که در قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران از عبارت جرم و تأدیب و تعزیر سخن گفته شده است، لذا این شباهه ایجاد می‌شود که شاید این مجازات عنوان کیفری داشته باشد. با مذاقه در روح قانون مورد تصویب به نظر می‌رسد منظور از این نحوه نگارش صرفاً تنبیهات اداری و انتظامی است.

در «ماده واحد طرح انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا» مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام براساس تبصره ۲ آن، چنانچه بنایه تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق وکیل‌گرفتن را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی است و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه ۳ و برای مرتبه دوم موجب انصاف از شغل قضایی می‌شود. لازم است یادآوری شود که در قانون آینین دادرسی کیفری اصلاحی مصوب ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ برابر تبصره ماده ۱۹۰ آن، در صورت سلب حق همراه‌داشتن وکیل، قضایی به مجازات انتظامی درجه ۸ محکوم می‌گردد و چنانچه این حق به متهم تفهیم نگردد، مجازات انتظامی درجه ۳ در انتظار او است.

یکی دیگر از قوانینی که به تخلفات انتظامی قضاط پرداخته است، قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۰۳ است که حسب ماده ۲۶۹ آن، «به تخلفات قضاط اعضای هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی در انجام تکالیفی که به موجب قوانین و مقررات مالیاتی به‌عهده هیأت‌های حل اختلاف گذارده شده

انسان محور و اراده محور بودن سیستم قضایی خود سبب تعیین ملاک‌های ارزیابی و استخدام افراد متقاضی منصب قضایی گردیده است. این معیارهای تعیینی اثر مستقیمی در تضمین استقلال، ارتقای اثربخشی قضایی، درستکاری و پاک‌دستی، رعایت شوون قضایی و ترسیم محدودیت فعالیت‌های غیرقضایی و با هدف بهبود ویژگی‌های حرفة‌ای قضات و رفتارهای قضایی در داخل و خارج از دادگاه با محوریت قوانین موضوعه دولت جمهوری اسلامی ایران به تعیین از قوانین و استانداردهای رفتاری بین‌المللی گردیده است که ابتدا توضیح مختصری در مورد آن ارائه می‌گردد.

### ۱-۲- مبانی نظری

معیارهای رفتار قضایی در داخل و خارج از دادگاه راهنمای قضات در نحوه انجام تکالیف رسمی و مشارکت آن‌ها در طیف وسیعی از فعالیت‌های شبان بر مبنای اصول تعیین‌شده سیاست‌های قوه قضائیه می‌باشد. بدیهی است که این سیاست‌ها خود از منابع معتبر فقهی و اصول بین‌المللی، مانند بنگلور اقتباس یافته است. یکی از قضات استرالیا در زمینه ضرورت تعیین استانداردهای رفتاری مناسب برای منصب قضایی این‌گونه اظهار نظر نموده است: «تردیدی نیست که قضات باید براساس معیارهای مشخصی هم در داخل و هم در خارج از دادگاه رفتار نمایند. اعمال اقتدارگرایانه قابل ملاحظه‌ای، روزبه روز به قضات واگذار می‌شود. اعمال این اقتدار، آثار چشم‌گیری بر زندگی و سرنوشت افرادی که نزد قضات می‌آیند، دارد. شهرهوندان نمی‌خواهد چنین اقتداری به فردی که درستکاری، لیاقت و سایر معیارهای فردی‌اش مورد تردید است، داده شود، لذا ضروری است که معیارهای رفتاری هم در داخل دادگاه و هم در خارج دادگاه وجود داشته باشد که در پاسخ به انتظارات شهرهوندان طراحی شده است» (Thomas, 2015: 7).

مک‌کی در زمینه علت یکسان‌بودن استانداردهای رفتار قضایی در کشورهای مختلف جهان این‌گونه اظهار نظر می‌نماید: «تفاوت استانداردهای رفتار قضایی در نظامهای قضایی ناشی از تفاوت زمینه‌های تاریخی، سیاسی و مذهبی است که قضات در آن عمل می‌کنند. در این رابطه دیدگاه‌ها در آمریکای شمالی در مورد آنچه سوئرفتار قضایی را تشکیل می‌دهد، ممکن است از دیدگاه‌ها در آفریقا، تفاوت باشد» (MacKay, 1998: 7). پرواضح است که ما با گوناگونی چارچوب‌ها در زمینه تعیین معیار رفتارهای قضایی

در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران انجام و با انقضای مهلت ۱۵ روز پس از انتشار، اجرای آن رسماً عملی گردد.

### ۲- مبانی و معیارهای رفتار قضایی

Riftarهای متفاوت افراد، معلول عواملی هستند که خود تعیین‌کننده ویژگی‌های فردی بوده و این خصوصیات انسانی بر روی میزان کارایی و اثربخشی وی تأثیری مستقیم دارد. عوامل متفاوتی در بروز رفتارهای انسان مؤثرند، این عوامل دارای جنبه‌های متفاوتی بوده و آن را کنترل می‌نمایند که در حقیقت حاصل باقی‌مانده و تأثیر تجربیات گذشته فرد، موقعیت کنونی وی در محیط و حالات فردی او و نتایجی که رفتار فرد در آینده خواهد داشت، می‌باشد.

به‌طور کلی مجموعه علوم رفتاری با فنون گوناگون به مطالعه رفتار می‌پردازند. رفتار قضات به عنوان افرادی دارای قدرت وسیع که یکی از مهم‌ترین وظایف حاکمیتی را اعمال می‌کند، به نوبه خود از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. پرواضح است که این رفتار به سبک زندگی قضایی و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و انسانی در قاضی وابسته است و قاضی برای احقاق حق باید ارزش‌های اخلاقی و انسانی را در وجود خود متجلی کند، در غیر این صورت نمی‌تواند در مسیر عدالت گام ببرد. منشورها و کدهای اخلاقی و رفتاری در شکل‌گیری رفتار متصدیان قدرت، نقش مهم و اساسی دارد، مبنای را به عنوان چارچوب رفتار مرجع فراهم می‌کند و بررسی و ارزیابی رفتارها را از سوی نمایندگان مردم به صورتی عینی امکان‌پذیر می‌سازد. این ارزش‌ها در متن سوگندهایی که قضات هنگام آغاز فعالیت یاد می‌کنند، مورد تصریح قرار می‌گیرند (Mackay, 1995: 2).

در یک نگاه کلی تعریف جامعه از جایگاه منصب قضایی بالاست، اما شأن قضایی را نوع عملکرد سیستم عدليه و قضات مشخص می‌نمایند. نوع رفتار قاضی چه در محکمه و چه در بیرون از محیط دادگاه ملاک سنجش شأن قضایی می‌باشد. با تأکید بر این مسأله که دستگاه قضایی، سیستمی انسان محور و اراده محور است و تصمیم‌گیری در آن مبتنی بر داشت، ارزش‌ها و فهم درست در کنار عوامل روحی و شخصیتی است، باید اقرار نمود که رفتارهای سلبی و ايجابي در اين زمينه از اهمیت بسیار بالايی برخوردار می‌باشند که خود تعیین‌کننده اصول رفتار قضایی است.

مسئولیت پسینی در گروی اثبات دفاعیاتی که در مواردی منطبق بر بدنے مجرمیت و مسئولیت است.

### ۲-۳-۱-۲- رفتار قضائی سلبی و ايجابی

مفهوم از رفتارهای ايجابی، شرایطی است که قضاط باید واحد آن باشند و در مقابل، رفتارهای سلبی، شرایطی است که منصوبین قضایی باید از آن پرهیز نمایند. قواعد حقوقی در عمل و نظر محتوایی اجتماعی دارد. دو ویژگی برجسته صراحت و نیز الزام‌آوربودن قواعد حقوقی، از سوی دیگر ضمانت اجرای آن توسط قدرت دولت حکومتی، آن‌ها را از مجموعه قواعد اخلاقی، عرفی و مذهبی ممتاز می‌کند. از این‌رو در جامعه‌شناسی حقوق، این مسأله پراهمیت مطرح است که حقوق‌دان به‌ویژه آنگاه که در مقام قضابت و داوری می‌نشینند، بی‌آنکه خود متوجه باشد، جامعه‌شناس است، هرچند این تمایز نافی همپوشانی آن‌ها نمی‌باشد (رحیمی، ۹۴: ۱۳۹۱). اجرای عدالت قضائی صحیح به سلامت دستگاه قضائی بستگی دارد و سلامت این دستگاه نیز معلول عوامل مختلفی است، از جمله سلامت اخلاقی قضات و رفتار مناسب آن‌ها.

برخلاف رفتارهای ايجابی، رفتارهای سلبی رفتارهایی هستند که افراد در مناصب و موقعیت‌های مختلف باید از انجام آن‌ها خودداری نمایند. این رفتارها با توجه به مشاغل و اهداف سازمان‌ها با هم متفاوتند، البته ذکر این مطلب الزامی که انجام برخی از رفتارها به صورت عام برای هیچ‌کس جایز نیست، لکن برخی از اعمال برای صنف و گروه شغلی خاصی منوع اعلام گردیده است. موقفيت یک سازمان عمدتاً به تلاش‌های کارکنان آن متنکی است، چراکه آن‌ها اقدامات استراتژیک را به اجرا درمی‌آورند (اشنايدر و همکاران، ۱۹۹۶: ۲۵؛ رایت و مکماهان، ۱۹۹۲: ۲۵). بنابراین توجه و تعیین معیارهای صحیح رفتاری در سطح فردی کارکنان قبل از تأثیر تجمعی آن در سطح سازمان مهم است (دس و همکاران، ۱۹۹۷: ۲۵؛ شان و اولریچ، ۲۰۰۴: ۲۵). این دسته از رفتارها زمانی از اهمیت برخوردار می‌شوند که جنبه‌های تاریک سازمانی یا همان رفتارهای خارج از عرف و قوانین سازمانی در سازمان پدید آیند (یاسینی، ۱۳۹۵: ۴۶). مطالعه جنبه‌های مختلف رفتارهای سازمانی از آن جهت مهم هستند که بر عملکرد سازمانی و بروندادهای ناکارآمد شغلی کارکنان تأثیر قابل ملاحظه‌ای می‌گذارند. حدود رفتارهای سلبی مقام قضائی در داخل و خارج

در کشورهای مختلف روبرو باشیم، اما آنچه حائز اهمیت است، اینکه بسیاری از معیارهای مدون، مورد پذیرش نظامهای حقوقی دنیا است.

### ۲-۱-۱-۲- رفتار قضائی فردی

معیارهای رفتاری فردی قضائی شامل رفتارهای ايجابی و سلبی می‌باشند که نشأت‌گرفته از ویژگی‌های شخصی و فردی مبتنی بر عوامل عینی مخصوصاً هوشمندی، شم قضایی، مهارت‌های ادراکی، مدیریت محیط، شجاعت، دانش قضایی، تفکر راهبردی، تعالی‌جویی، توان مذاکره و ارتباطات، هدف‌گذاری، دانش حقوقی، مدیریت رفتارهای سیاسی، آگاهی محیطی، پاکدامنی، سرمایه اجتماعی، شایسته‌سالاری، اخلاق‌مداری، نظم و آراستگی، تعهد و عدالت، رفتار شهرنودی، نظارت و کنترل، اخلاق قضائی، الگوبودن و برنامه‌ریزی و امثال‌هم می‌باشد که مورد پذیرش جوامع بین‌المللی حقوقی به‌ویژه سند رفتار قضائی بنگلور نیز است.

علاوه‌بر موارد فوق‌الذکر عوامل فردی دیگری که در ذیل این تعریف مؤثر بر عملکرد منصوبین قضائی می‌توان عنوان نمود، عبارتند از: معیارهای علمی قضات درزمنیه شناخت لازم و کافی از قوانین و مقررات انتظامی، آموزش حرفه‌ای منصوبین قضائی، اصول اخلاق قضائی و شرافت حرفه‌ای، پاییندی به تضمینات دفاعی اصحاب دعوا، تفسیر ناروای قضات از قوانین، دقت و سرعت در کار، نیازهای مالی قاضی و مواردی از این قبیل می‌باشد.

### ۲-۱-۲- رفتارهای قضائی درون و بیرون از سازمان

مدیریت قضائی در هر جامعه‌ای باید چارچوب‌های لازم برای تضمین رفتارهای سلبی و ايجابی قضات را ایجاد و برای نیل به اهداف متعالی، ابزار لازم و مقدمات کافی برای این مهم را فراهم نماید. در غیر این صورت بهدرستی و ظایف خود عمل ننموده است. باوجود این، واکاوی در متون و قوانین تعیین‌کننده معیارهای رفتار قضائی اعم از سلبی و ايجابی لزوم همخوانی و ابتنای نظام تعیین نیروی قضائی در ایران بر مفاهیم فقهی و قوانین بین‌المللی مورد پذیرش، از جمله معیارهای رفتار قضائی بنگلور را آشکار می‌سازد؛ مفهومی که در آن، صرف نقض یک ارزش رفتاری (با در نظر گرفتن تأثیرگذاری کلیه مؤلفه‌های درونی و بیرونی) مسئولیت پیشینی را به‌دبیال می‌آورد و

هستند، فارغ و رها باشد. وی باید در رابطه با جامعه بهطور کلی و در رابطه با طرفین خاص درگیر در منازعه‌ای که بدان رسیدگی می‌کند، استقلال داشته باشد. قاضی نه تنها باید فارغ از ارتباطات ناروا و نیز تأثیرپذیری از بخش‌های اجرایی و قانون‌گذاری حکومت باشد، بلکه همچنین باید از دید یک ناظر متعارف هم از آن‌ها آزاد و رها به نظر برسد. قاضی باید در انجام وظایف قضایی درباره تصمیماتی که موظف است مستقل اتخاذ کند، مستقل از همکاران قضایی باشد. متصدی منصب قضا باید برای اجرای وظایف قضایی و حفظ و ارتقای استقلال بنیادی و عملی نظام قضایی، اصول اطمینان‌بخشی را تشویق کند و بدان عمل نماید. قاضی باید بهمنظور تحکیم اعتماد عمومی به نظام قضایی که برای حفظ استقلال قضایی امری زیربنایی تلقی می‌شود، معیارهای متعالی رفتار قضائی را به منصه ظهور بر ساند و ارتقا بخشد.»

ارزش دوم، تضمین بی طرفی قضایی: اصل بی طرفی که در فقه اسلامی نیز بر آن تأکید فراوانی گردیده، به این معناست که دستگاه قضایی به ویژه شخص دادرس باید کمال بی طرفی و مساوات را بین طرفین دعوا رعایت کند، دادرس نه تنها در اجرای قانون و تشریفات مربوط به دادرسی نباید بین طرفین فرق بگذارد (فرحزادی، ۱۳۹۷: ۴۹). سند رفتار قضائی بنگلور در ارزش دوم خود به تبیین اصل بی طرفی می پردازد و عنوان می کند که: بی طرفی برای ایفای منصب قضایی اساسی است و نه تنها خود تصمیم، بلکه فرایند تصمیم‌گیری را نیز دربر می گیرد (شاه حیدری پور، ۱۳۹۶: ۷۷). بی طرفی ویژگی اساسی و الزامی قضی و وصف محوری قوه قضاییه می باشد. بدیهی است که تضاد منافع ظاهری، رفتار قضائی در مسند قضایا معاشرت‌های وی در درون و بیرون دادگاه سبب ایجاد حس جانبداری یا تبعیض، ناشی از عدم بی طرفی خواهد شد.

پر واضح است که احساس جانبداری، اعتماد عمومی را زائل می نماید. جانبداری ممکن است خود را به صورت لفظی یا عملی نشان دهد. برخی مثال‌ها عبارتند از: عناوین، نشان‌ها، القاب تحقیرآمیز، کلیشه‌های منفی، شوخی مبتنی بر کلیشه‌ها مانند موضوعات معنون در رابطه با فرهنگ و نژاد، اعمال تهدیدآمیز یا خصم‌مانه و اشارات بی‌ربط به ویژگی‌های شخصیتی فرد، از جمله مصاديق جانبداری یا تبعیض می‌باشند که هم در سند رفتار قضائی بنگلور و هم در اصول فقه و مبانی شرعی و

از دادگاه براساس قانون، استانداردهای اخلاقی و رفتاری تعیین می‌گردد.

۲-۲- معیارهای رفتار قضائی

۲-۱- سندين المللی بنگلور

۱-۲-۱-۱-۱-۲-۳

این رفتارها در سند بنگلور در قالب شش ارزش بنیادین استقلال، بی‌طرفی، سلامت، نزاکت، برابری و صلاحیت و پشتکار به شرح ذیل بیان گردیده است: «ارزش اول، استقلال: استقلال قضائی، یک پیش‌شرط حاکمیت قانون و تضمین بینیادین دادرسی عادلانه است. بنابراین قاضی باید استقلال قضائی را در جنبه‌های فردی، سازمانی و هر دو، حفظ کند و نمونه آن باشد.»

یکی از اصول مهم تحقق دادرسی عادلانه و حکومت قانون، استقلال قضائی به معنای استقلال قضائی از هرگونه اعمال نفوذ و مداخله قوای سیاسی و اصحاب دعوا است. تحقق استقلال قضائی، از یکسو مستلزم تضمین استقلال ساختاری قوه قضائیه و از سوی دیگر ایجاد سازوکارهایی برای تضمین استقلال فردی قضات است.

از این رو اگر این استقلال تأمین و تضمین نشود، ما شاهد رواوردن قضات به مصلحت‌گرایی خواهیم بود، درنتیجه بسیاری از پرونده‌ها به نتیجه نخواهند رسید و دائماً در جریان بوده و تجدید وقت می‌شوند که اصطلاحاً از این نوع پرونده‌ها، به عنوان پرونده‌های جودار تعبیر می‌شود. سه شرط حداقلی برای استقلال قاضی عبارتند از: ۱- امنیت شغلی؛ ۲- امنیت مالی؛ ۳- استقلال سازمانی (شاه حبیری، ۱۳۹۶: ۵۵).

در سند بین‌المللی بنگلور از استقلال قضائی این‌گونه تعبیر گردیده است: «استقلال قضائی پیش‌شرط حاکمیت قانون و تضمین اساسی برای رسیدگی عادلانه است. از این‌رو هر قاضی باید استقلال قضائی را از هر دو بعد شخصی و اصولی تحکیم کند و به منصبه ظهرور رساند.» همچنین کاربردهای آن به شرح ذیل، عنوان گردیده است:

«قاضی باید اعمال قضایی را به گونه‌ای مستقل و برمبنای ارزیابی خود از حقایق و مطابق با درک وجودی خود از قانون اعمال نماید و از تأثیرات، عوامل، فشارها، تهدیدات یا مداخلات مستقیم یا غیرمستقیم پردازند؛ از هر منع یا به هر دلیل که

ارزش چهارم، یکپارچگی: یکپارچگی برای انجام وظیفه شایسته و در خور دستگاه قضایی ضروری است. رفتار قاضی باید به‌گونه‌ای باشد که در نظر یک ناظر متعارف عاری از انتقاد تلقی شود. همچنین رفتار وی باید اعتماد مردم را به یکپارچگی نظام قضایی مستحکم نماید. هدف صرفاً اجرای عدالت نیست، بلکه این امر باید عادلانه هم به نظر برسد.

ارزش پنجم، رفتار صحیح یا نزاکت: رفتار صحیح و بروزدادن آن در کلیه فعالیت‌های عملی یک قاضی ضروری است. وی باید از منافع مالی شخصی و اعتباری خود اطلاع داشته باشد و به‌طور متعارف تلاش کند که این اطلاعات را درباره اعضای خانواده خود نیز به دست آورد. در عرصه اجرای صحیح وظایف قضایی، هر قاضی می‌تواند بنویسد، سخنرانی کند، آموزش دهد و در فعالیت‌های مرتبط با قانون، نظام قضایی، اجرای عدالت یا سایر موضوعات مرتبط شرکت نماید (شاه‌حیدری‌پور، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

ارزش ششم، برابری: رفتار برابر و یکسان با تمام افراد در دادگاهها شرط ضروری برای عملکرد صحیح دستگاه قضایی است. قاضی باید از تنوع موجود در جامعه و تفاوت‌های ناشی از معیارهایی مانند نژاد، رنگ، جنسیت، مذهب، ملیت، طبقه اجتماعی، ناتوانی، سن، وضعیت تأهل، تمایلات جنسی، وضعیت اجتماعی و اقتصادی و سایر زمینه‌های مشابه (زمینه‌های غیرمرتبط) آگاه باشد و آن را درک کند.

ارزش هفتم، قابلیت و پشتکار: یکی از سازوکارهای اساسی برای عملکرد صحیح دستگاه قضایی قابلیت و پشتکار می‌باشد. وظایف قضایی قاضی باید بر سایر فعالیت‌های وی اولویت داشته باشد. او باید تمام فعالیت‌های حرفه‌ای خود را به وظایف قضایی که بر عهده دارد، اختصاص دهد. این امر نه تنها اجرای کلیه اعمال قضایی و مسؤولیت‌های درون دادگاه و صدور رأی را شامل می‌شود، بلکه وظایف دیگری را که به دستگاه قضایی یا اداره دادگاه مرتبط است نیز دربر می‌گیرد.

## ۲-۱-۲- رفتارهای سلبی

سیستم حقوقی اسلامی قرن‌ها پیش ازش‌های معنون در سند رفتار قضائی بنگلور را لحاظ نموده و مبنای دادرسی عادلانه قرار داده است. با عنایت به چارچوب‌های تعیینی در قوانین موضوعه دولت جمهوری اسلامی ایران و بررسی و مذاقه در

قانونی ما به‌طور مشروح در مورد آن بحث شده است. یکی از حقوق اساسی ضامن امنیت و تضمین حقوق شهروندان، حق بر دادرسی منصفانه است که به عنوان یکی از حقوق شناخته شده و بنیادین بشر، مورد توجه و تأکید اسناد جهانی و کنوانسیون‌های حقوق بشری بوده است. تحقق چنین حقی در رسیدگی دادگاه‌ها مستلزم رعایت اصول دادرسی است (حدری، ۱۳۹۳: ۱۴۰). مقام قضایی مستقل نیز کسی است که هیچ رابطه نزدیک و وابستگی مالی، شغلی و یا شخصی با یکی از طرفین دعوا یا نمایندگان قانونی آن‌ها نداشته باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت بی‌طرفی اصولاً یک نگرش ذهنی می‌باشد که به‌سختی قابل ارزیابی است، درحالی‌که استقلال لزوماً نمود خارجی آن چیزی است که به عنوان پیش‌زمینه آن نگرش ذهنی مطرح می‌شود و بررسی عینی ارتباط میان طرفین دعوا و مقام قضایی است (Shore & Yu, 2003: 935). اصول رفتار قضائی بنگلور با تأکید بر این امر که بی‌طرفی برای انجام صحیح وظایف دستگاه قضایی امری ضروری است و نه تنها بر اصل تصمیم، بلکه بر فرایند اخذ آن نیز اعمال می‌شود. کاربردهای این ارزش را به شرح ذیل عنوان نموده است: «قاضی باید وظایف قضایی خود را به دور از هرگونه تبعیض، تعصب یا پیش‌داوری اعمال نماید. وی باید با فعل خود در داخل و خارج دادگاه، اعتماد عموم، صاحبان مشاغل حقوقی و ارباب دعاوی را به بی‌طرفی قضایی و نظام قضایی حفظ کند و ارتقا بخشد. قاضی باید در حد متعارف به‌گونه‌ای رفتار کند که مواردی که الزاماً منجر به عدم صلاحیت قاضی برای استماع یک دعوا یا تصمیم‌گیری درخصوص آن می‌شود، به حداقل برسد، مانند مواردی که قاضی درباره یکی از طرفین دعوا تعصب یا پیش‌داوری داشته و یا به موضوعاتی که به عنوان دلیل اقامه شده و محل اختلاف هستند، علم شخصی داشته باشد یا مواردی که قاضی قبلًاً به عنوان وکیل یا شاهد اصلی در موضوع متنازع‌فیه انجام وظیفه کرده باشد یا قاضی یا یکی از اعضای خانواده وی، درنتیجه موضوع متنازع‌فیه منافع اقتصادی داشته باشد.»

ارزش سوم، سلامت: سلامت برای اجرای شایسته مسؤولیت قضائی اساسی است. ارکان سلامت، صداقت و رعایت اصول اخلاق قضائی است. به عبارت دیگر در دستگاه قضائی، سلامت، چیزی بیش از یک مزیت و بلکه یک ضرورت است. قوانین موضوعه و فقه اسلامی ما نیز بر این اصل تأکید زیادی دارند.

انجام تکالیف مقرر قانونی، قاضی باید تابع استانداردهای مصوب باشد. او مکلف است فعالیتهای فردی و غیرقضایی خود را به‌گونه‌ای انجام دهد که مغایر با وظایف قضایی نباشد. قاضی می‌تواند در فعالیتهای غیرقضایی، از جمله فعالیتهای حقوقی، مدنی، خیریه، آموزشی، مذهبی، اجتماعی، مالی، امنی و دولتی مشارکت داشته و موضوعات حقوقی و غیرحقوقی فعالیت نماید. با این حال نباید در فعالیتهای غیرقضایی وارد شود که شأن منصب قضایی را زیر سؤال برد، انجام تکالیف قضایی را دشوار کرده، بی‌طرفی او را تضعیف نموده و منجر به عدم صلاحیت مکرراً و یا نقض محدودیت‌های مقرر قانونی شود.

فعالیتهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قاضی باید در چارچوب‌های تعیین شده قرار گرفته و عملکرد قضایی وی را تحت تأثیر قرار نداده و باعث رفتارهای خلاف قانون، شرع، شأن و عرف از سوی وی نشود.

دومین مورد، استقلال قضائی: قاضی نباید عالمًا درخصوص دعواهای که نزد وی در جریان است یا طرح خواهد شد، اظهاراتی نماید که به‌طور متعارف بر نتیجه دعوا تأثیرگذار تلقی شود یا عادل‌نبوذن جریان آن را مخدوش نماید. وی باید از رسیدگی به دعواهایی که امکان تصمیم‌گیری بی‌طرفانه درخصوص آن را ندارد یا از دید هر ناظر متعارفی قادر به تصمیم‌گیری بی‌طرفانه درخصوص مورد نیست، خودداری ورزد و اعلام عدم صلاحیت کند.

مورد سوم، رفتار صحیح: همان‌گونه که ذکر گردید، رفتار صحیح و بروزدادن آن در کلیه فعالیتهای عملی یک قاضی ضروری است. بنابراین قاضی باید از رفتار ناصحیح و بروزدادن آن در فعالیت‌هایش پرهیز کند. وی به‌عنوان فردی که همواره زیر ذره‌بین افکار عمومی است، باید محدودیت‌های شخصی را که از دیدگاه یک شهروند معمولی شاق و طاقت‌فرسا به‌نظر می‌رسد، آزادانه و با طیب خاطر پذیرا باشد، بهویژه باید به‌گونه‌ای رفتار کند که مطابق با شوئونات دستگاه قضایی باشد. قاضی باید در ارتباطات شخصی خود با افرادی که به‌طور مرتب در دادگاه وی به ایفای مشاغل قضایی مشغول‌اند، از ایجاد وضعیت‌هایی که به‌طور متعارف موجب ایجاد بدگمانی یا بروز حالت تبعیض یا جانبداری می‌شود، پرهیز نماید. وی نباید در تصمیم‌گیری راجع به دعواهایی که یکی از اعضای خانواده وی، در آن طرف دعواست یا به هر طریقی به آن دعوا مرتبط است،

اصول سند رفتار قضائی بنگلور که مورد پذیرش مسؤولین بالادستی و جامعه حقوقی ایران است، عدم رعایت اصول شش‌گانه فوق‌الذکر که از آن‌ها به‌عنوان شش ارزش در این سند بین‌المللی نام برده شده و مورد قبول بیشتر نظامهای حقوقی دنیا می‌باشد، خود مصدقه بارز رفتارهای سلبی قضائی است. بنابراین از مهم‌ترین معیارهای رفتارهای سلبی درون و بیرون از سازمان می‌توان به طور خلاصه به مباحث ذیل‌الذکر اشاره نمود:

اولین مورد، عدم رعایت بی‌طرفی: دادرس باید در تمام زمینه‌ها اعم از اجرای قانون و تشریفات مربوط به دادرسی و یا رفتارهای فردی خود در مقابل اصحاب دعوا، مانند سخن‌گفتن، نگاه‌کردن، توجه‌نمودن و سایر برخوردها نسبت به اصحاب دعوا رفتار یکسان داشته باشد. فقه‌ها این امر را نه به‌عنوان یک توصیه اخلاقی، بلکه به‌عنوان یک واجب شرعاً بیان نموده‌اند که عدم رعایت آن موجب خروج دادرس از عدالت خواهد بود (فرحزادی، ۱۳۹۷: ۴۹). قاضی محاکمه باید نهایت توجه را داشته باشد که رفتار وی در دادگاه به‌عنوان تبعیض یا جانبداری از سوی طرفین دعوا یا ثالث محسوب نگردد. بدیهی است که اظهارات توهین‌آمیز یا نامناسب نسبت به خوانده، خواهان، شهود یا مطلعین، وکلاً و یا هر ثالث دیگری، پیش‌داوری و رفتار نامتعادل از مصادیق عینی جانبداری در دادگاه به‌شمار می‌آید.

در سند بین‌المللی بنگلور در ذیل عنوان بی‌طرفی اعضای عضو مصوب نمودند که «قاضی باید تضمین کند که رفتار او در داخل و خارج از دادگاه، اعتماد عموم، جامعه حقوقی و دو طرف دعوا را نسبت به بی‌طرفی قضاط و دستگاه قضایی حفظ و تقویت نماید (شاهحیدری‌پور، ۱۳۹۶: ۷۵).

وی باید استقلال و سلامت دستگاه قضائی را حفظ و تقویت کند. این امر لازمه عدالت در جامعه بوده و دفاع از آراء و احکام دادگاه‌ها منوط به اعتماد عمومی به سلامت و استقلال قضاط است، وی باید از رفتار خلاف شأن و نمود بی‌نزاکتی در همه فعالیت‌ها اجتناب نماید. احترام به قانون، اجتناب از تأثیرپذیری از امر یا کسی در رفتار قضائی و صدور حکم و عدم اعمال تبعیض، از جمله معیارهای نزاکت هستند. همچنین او باید وظایف منصب قضایی را بی‌طرفانه، منصفانه و با پشتکار انجام دهد، تکالیف منصب قضا بر هر فعالیت دیگری اولویت دارد. در

میان افراد مرتبط با موضوعی که در دادگاه در حال رسیدگی است، فرق قائل شوند.

درنهایت قابلیت و پشتکار: قاضی نباید درگیر رفتارهایی شود که مغایر با اجرای مستمر وظایف قضایی است، چنانچه این امر اتفاق بیفت، قابلیت و پشتکار که یکی از معیارهای ایجابی رفتار قضائی برای بهبود عملکرد است، مورد تردید قرار می‌گیرد.

## ۲-۲-۲- فقه اسلامی

با عنایت به اینکه قوانین موضوعه کشور جمهوری اسلامی ایران بر مبنای فقه جزایی می‌باشد، علیهذا یکی از مهمترین شاخص‌های معیارهای تعیینی متصدیان منصب قضا که توسط فقهای عظام در ادوار مختلف بیان گردیده، فقه اسلامی است. اصل یکصどشصت و سوم به صراحت بیان می‌دارد که: «صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به‌ویله قانون معین می‌شود.» امام خمینی در این‌باره این‌گونه اظهارنظر می‌نمایند: «صفات قاضی عبارتند از: بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، اجتهاد، مطلق، مردبودن، حلال‌زادگی، اعلمیت نسبت به افراد شهر و محله خویش و داشتن حافظه قابل اعتماد به احتیاط واجب» (مصطفی‌الیزدی، ۱۳۸۴: ۲۵).

شیخ طوسی در این‌زمینه تعریف نموده: «سزاوار است که کسی امر قضاوی را به‌عهده نگیرد، مگر اینکه مطمئن باشد توان قیام به این کار را دارد. کسی می‌تواند چنین ادعایی را داشته باشد که عاقل، کامل، عالم به علوم قرآن از ناسخ و منسخ، عام و خاص، واجب و مستحب و محکم و متشابه آن باشد و همینطور به سنت و ناسخ و منسوخش عارف باشد و در فهم لغت و ادبیات عربی مهارت داشته باشد، از امور حرام پرهیزد و نسبت به دنیا زاهد و سعی و همتش بر انجام اعمال صالح باشد و از گناهان کبیره و صغیره اجتناب کند و از هوا و هوس بهشت دوری گزیند و بر تقوای حرص باشد» (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۳۸).

محقق حلی در زمینه صفات قاضی این‌گونه عنوان می‌نماید: «در قاضی بلوغ، کمال عقلی، ایمان، عدالت، طهارت مولد، علم و مردبودن شرط است. بنابراین قضا برای صبی، هرچند نزدیک بلوغ باشد و کافر جایز نیست، زیرا کافر اهل امانتداری نیست و مثل او فاسق است» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۵۹). فقهای دیگر نیز مانند علامه حلی به‌همین مضامین، هفت شرط برای قاضی برشمرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۴۲۱).

محقق عاملی می‌نویسد: «دلیل بر شرایط هفتگانه در قاضی اجماع محصل و منقول است، بزرگانی مانند شهید ثانی در

شرکت نماید. همچنین او نباید اجازه دهد که صاحبان مشاغل قضایی برای پذیرایی از موکلان یا سایر افراد شاغل در حرف قضایی، از اقامتگاه وی استفاده نمایند.

قاضی همچون سایر شهروندان از حق آزادی بیان، عقیده و شرکت در تشکل‌ها و گردهمایی‌ها برخوردار است، ولی نباید با اعمال این حقوق به‌گونه‌ای رفتار کند که شؤونات دستگاه قضایی و بی‌طرفی و استقلال نظام قضایی مخدوش گردد. وی نباید به خانواده، اجتماع یا سایر وابستگان خود اجازه دهد که به‌طور ناروا بر رفتار قضائی وی و قضاوتش به‌عنوان قاضی تأثیر بگذارند. متصدی منصب قضا نباید از اعتبار دستگاه قضایی برای تحصیل منافع شخصی برای خود، یکی از اعضای خانواده خود یا هر شخص دیگری بهره بگیرد و نیز نباید این تصور را ایجاد کند یا به دیگران اجازه ایجاد این تصور را بدهد که کسی نزد وی چنان جایگاهی دارد که قادر است در اجرای وظایف قضایی به‌طور ناروا بر وی تأثیر گذارد. اطلاعات شغلی‌ای که قاضی درنتیجه سمت قضایی خود تحصیل می‌کند، نباید در موارد غیرمرتبط به وظایف قضایی، مورد استفاده قرار گیرد یا فاش شود.

قاضی مدام که در استخدام دستگاه قضایی است، نباید وکالت کند. وی و اعضای خانواده‌اش نباید درباره اموری که در مسیر ایفای وظایف قضایی خود انجام داده یا باید انجام دهد یا باید از انجام آن خودداری کند، هر نوع هدیه‌ای اعم از وصیت، وام یا امتیازی تقاضا کند یا آن را بپذیرد، قاضی نباید عالمًا به کارمندان دادگاه یا کسانی که تحت نفوذ، سرپرستی یا اختیار وی قرار دارند، اجازه دهد که درباره اموری که در مسیر ایفای وظایف یا اعمال قضایی خود انجام داده‌اند یا باید انجام دهند یا از انجام آن خودداری کنند، هر نوع هدیه، وصیت در مورد اموال، وام یا امتیازی تقاضا کنند یا آن را بپذیرند.

چهارم، برابری: که به معنای رفتار برابر و یکسان با تمام افراد در دادگاه‌ها برای عملکرد صحیح دستگاه قضایی است. بنابراین قاضی نباید با قول یا فعل خود در مواردی که به ایفای وظایف قضایی می‌پردازد، بر مبنای زمینه‌های غیرمرتبط، جانبداری یا تعصی را درخصوص یک شخص یا گروه بروز دهد. همچنین وی نباید عالمًا به کارمندان دادگاه یا سایر کسانی که تحت نفوذ، سرپرستی یا ناظرت او هستند، اجازه دهد که بی‌جهت

وی نام برد. بدیهی است که این‌گونه صلاحیت‌ها و قابلیت‌هایی نظیر این مورد که به عنوان یک صلاحیت ایجابی برای قضات در طی دوران خدمتشان در نظر گرفته می‌شود، در زمان قدیم وجود نداشته و به‌طور خلاصه در مبحث علم مطرح گردیده است.

### ۳-۲-۲- سیستم حقوقی ایران

همان‌گونه که در مطالب اخیر ذکر گردید، سابقه تقنینی قوانین و مقررات انتظامی قضات در ایران بهجهت تعیین رفتارهای سلبی و ایجابی دارای قدمتی طولانی نمی‌باشد، اما با ملاحظه قوانین موضوعه، برخی از بایدها و نبایدتها توسط قانون‌گذار ما تعیین گردیده است که به اجمال مورد بحث قرار می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین ارکان قضاوت که رفتارهای قضائی بر آن استوار می‌گرددند، بحث استقلال قضات است قانون‌گذار در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری صراحتاً عنوان می‌نماید: «مراجع قضائی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.» همچنین مقتن در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری بحث لزوم رعایت حقوق شهروندی را توسط مقام قضائی و سایرین بیان نموده و عنوان می‌کند که: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارد، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۰۴/۰۴ محاکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.»

ملاحظه می‌گردد که قانون‌گذار به‌طور کلی از استقلال قضائی و حفظ حقوق شهروندی و نقض آن بحث می‌نماید و میزان و چارچوب رعایت و عدم رعایت آن کاملاً مشخص نبوده که باید به قوانین دیگر و دکترین مراجعه نمود. مطابق ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات، مجازات‌های انتظامی قضات سیزده درجه تعیین گردیده‌اند که کمترین آن توبیخ کتبی بدون درج در سابقه خدمتی و شدیدترین آن انفال دائم از خدمات دولتی است. در ماده ۱۷ نیز قانون‌گذار به افعالی اشاره دارد که مجازات‌های انتظامی درجه هشت تا سیزده را برای قاضی

مسالک و محقق سبزواری در کفايه الاحکام و فیض کاشانی در مفاتیح الشرایع به هر دو قسم از اجماع تصریح کرده‌اند. علاوه‌بر اجماع، هرکدام از این شرایط، دلیل جداگانه‌ای دارد، از جمله شرایط اینکه صبی نباشد، چه مرافق و نزدیک بلوغ و چه غیر آن، عدم ولایت صبی بر خود و تصرفاتش می‌باشد، پس به‌طریق اولی صلاحیت ندارد بر مردم ولایت داشته باشد و همینطور مجنون نیز به حکم صبی است که منوع‌التصرف و محجور است، خواه مجنون دائمی باشد یا فصلی، نسبت به کافر نیز خدواند سلطه او را بر مسلمانان نفی کرده و فاسق چه امامی باشد یا غیرامامی قابل اعتماد نیست. وقتی امامتش در نماز و شهادت و فتوایش پذیرفته نشود، قضاوتش به‌طریق اولی مقبول نخواهد بود. ایمان شرط است به‌سبب ورود روایاتی که نهی کرده از تحاکم به سوی غیر امامیه» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۳۶۴). عدم لیاقت جاہل برای منصب قضا و واضح و روایت در این مورد متعدد است (عاملی، بی‌تا: ۱۰/۹).

همان‌گونه که بیان گردید، از دیرباز فقه اسلامی شرایط تصدی منصب قضا از حیث صفات شخصی به‌منظور احراز صلاحیت عام و اهلیت و شروط ابقاء این صلاحیت را به‌طور کامل بیان نموده است، در حقیقت معیارهای احراز صلاحیت شخصی متصدیان منصب قضا به‌طور کلی و عمومی تعیین گردیده است، هرچند به تناسب گذشت زمان برخی از شرایط تکمیل و یا تعديل گردیده است. به عنوان مثال، رجلیت یکی از شرایط اصلی تصدی این منصب خطیر می‌باشد، در حالی که در عصر حاضر برخی از زنان نیز در این رسالت مشغول به خدمت می‌باشند یا شرط مجتهدبودن قاضی که در حال حاضر با عنایت به مأذون‌بودن اکثر قضات منصوب دیگر اعمال نمی‌گردد. به عبارت دیگر این صفات شرط لازم برای ورود و تصدی منصب قضا می‌باشد، اما شرط کافی برای حفظ آن نیست، زیرا همان‌گونه که بیان گردید، شروط اختصاصی دیگری هم از بطن این شروط عمومی استخراج و به تناسب زمان اعلام گردیده است که افراد متصدی لازم به رعایت آن‌ها می‌باشند.

به عنوان مثال در حال حاضر یکی از گزینه‌هایی که در زمینه ارزشیابی قضات مورد توجه قرار می‌گیرد میزان آگاهی آن‌ها از سیستم‌های رایانه‌ای و برنامه‌های مرتبطی است که در قوه قضائیه به کار می‌رود، در این زمینه می‌توان از نرم‌افزار سیستم مدیریت پرونده (CMS) و آشنایی مقام قضائی و میزان مهارت

سلب صلاحیت قضائی مندرج در قانون نظارت بر رفتار قضاط که آینین نامه نسبت به آن توضیح داده است، اشتغال همزمان به مشاغل مذکور در اصل ۱۴۱ قانون اساسی یا کارشناسی رسمی دادگستری، ترجمه رسمی، تصدی دفتر ازدواج، طلاق و اسناد رسمی و اشتغال به فعالیت‌های تجاری موضوع ماده ۱ قانون تجارت است. در این باره آینین نامه جدید این قانون مقرر کرده است، در صورتی که قاضی قبل از لازم‌الاجراشدن قانون مبادرت به اخذ پرونده مشاغل موضوع قانون کرده باشد، باید در اسرع وقت پرونده خود را به مرتع مربوط تحويل دهد و تا زمانی که به شغل قضا اشتغال دارد، حق فعالیت در مشاغل مذکور و نیز اشتغال به موارد مذکور در ماده ۲ قانون تجارت را ندارد.

موارد سلبی دیگری که در قانون نظارت بر رفتار قضاط مطرح گردیده است، می‌توان به تخلفات ذیل اشاره نمود:

- ۱- در نکردن مشخصات خود یا امضانکردن زیر صورت جلسات، اوراق تحقیق و تصمیمات یا ناخوانانوشتمن یا به کاربردن کلمه یا عبارت سبک و ناپسند.
- ۲- عدم اعلام ختم دادرسی در دادگاه و ختم تحقیقات در دادسرای یا تأخیر غیر موجه کمتر از یک ماه در صدور رأی و اجرای آن.

۳- عدم حضور عضو دادگاه در جلسه رسیدگی بدون عذر موجه یا شرکت نکردن وی در مشاوره و صدور رأی و امضای آن یا عدم تشکیل جلسه رسیدگی در روز مقرر بدون عذر موجه.

۴- عدم نظارت منتهی به بی‌نظمی متصدیان امور شعب مراجع قضایی بر عملکرد اداری شعب.

۵- عدم اعمال نظارت مراجع عالی قضایی نسبت به مراجع تالی و دادستان نسبت به دادیار و بازپرس از حیث دادن تعليمات و تذکرات لازم و اعلام تخلفات، مطابق قوانین مربوط.

۶- بی‌نظمی در ورود به محل کار و خروج از آن یا عدم حضور در نوبت کشیک، جلسات هیأت‌ها و کمیسیون‌هایی که قاضی موظف به شرکت در آن‌هاست، بدون عذر موجه و بیش از سه مورد در ماه یا سه نوبت متوالی.

۷- غیبت غیر موجه و حداکثر به مدت یک تا پنج روز متوالی یا متناوب در یک دوره سه‌ماهه.

متخلف موجب می‌گردد که از جمله آن به رفتار خلاف شأن قضایی اشاره شده است. در تبصره آن نیز رفتار خلاف شأن را در دو مورد تعریف نموده که یا انجام جرم عمدى توسط قاضی مصدق آن است و یا اینکه فعل قاضی در عرف مسلم قضاط عملی مذموم و ناپسند تلقی شود. با توجه به روح حاکم بر مواد این قانون که به جز یک مورد، به تشویق قضاط اشاره نموده است و آن هم مربوط می‌شود به وظیفه دادسرای انتظامی درخصوص پیشنهاد تشویق قضاط دارای خدمات علمی برجسته به ریس قوه قضائیه است، در سایر موارد نحوه نگارش آن به گونه‌ای است که رویکرد منفی نسبت به قضاط از آن استنباط می‌شود. از این‌رو در تعریف شأن قضایی نیز تنها به موارد سلبی توجه گردیده است.

در فصل اول و دوم آینین نامه قانون نظارت بر رفتار قضاط قانون‌گذار به بررسی تشکیلات و تخلفات انتظامی قضاط پرداخته و تنها در ماده ۱۲ آینین نامه قانون‌گذار اقدام به تشریح برخی از رفتارهای سلبی قضائی می‌نماید، ماده ۱۲ آینین نامه مقرر می‌دارد: «منظور از عمل خلاف عرف مسلم قضاط موضوع تبصره بند ۶ ماده ۱۲ قانون هر فعل یا ترک فعلی است که موجب تخفیف جایگاه قاضی یا ایجاد بدینی یا بی‌اعتمادی مردم نسبت به دستگاه قضائی گردد، مانند استعمال الفاظ نامناسب با شأن قضایی، تندخوبی نسبت به مراجیین یا همکاران دفتری و قضایی، استفاده از لباس نامناسب و غیرمتعارف در ملاء عام یا محل کار، ارتباط نامتعارف با طرف پرونده و کلا یا کارشناسان، هم‌نشینی با افراد ناباب و کسانی که دارای سوکشیت هستند». قانون‌گذار همچنین در آینین نامه اخیرالذکر به بیان برخی دیگر از تخلفات قضایی به عنوان معیارهای سلبی رفتار قضائی پرداخته است که در قوانین نظارتی سابق بعضاً به طور پراکنده یا ناقص وجود داشت.

یکی از تخلفات قضاط عبارت است از بی‌نظمی در ورود به محل کار و خروج از آن یا عدم حضور در نوبت کشیک، جلسات هیأت‌ها و کمیسیون‌هایی که قاضی موظف به شرکت در آن‌هاست، بدون عذر موجه و بیش از سه مورد در ماه یا سه نوبت متوالی است. آینین نامه فوق در مورد این مقرر توضیح داده است که اگر جلسات هیأت‌ها و کمیسیون‌های ذکر شده در قانون که قاضی در آن‌ها شرکت نکرده است، در وقت غیر اداری باشد، تنها در صورتی تخلف محسوب می‌شود که قبل از تعلیل قاضی اخذ شده باشد. همچنین از دیگر موارد رفتارهای

چنانچه تمامی این قوانین را مورد تدقیق قرار دهیم، آنچه آشکار می‌شود این است که قانون‌گذار بیشتر بر تعیین مجازات‌های تخلفات و جرایم انتظامی قضات تأکید داشته و چارچوب‌ها و معیارهای رفتاری کاملی را برای جلوگیری از این تخلفات انتظامی بیان ننموده است که این امر خود جای تأمل دارد، زیرا مشخص نمودن حدود موارد ممنوعه از موارد الزامی قواعد صحیح رفتاری می‌باشد، هرچند که در گوشه و کنار این قوانین برخی از بایدها و نبایدها به صورت ناقص عنوان گردیده است. به عنوان مثال، در آیین‌نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب سال ۱۳۹۲، قانون‌گذار ابتدا به بررسی کلیات می‌پردازد، سپس در ماده ۲ بیان می‌نماید که: «نظارت انتظامی بر عملکرد و رفتار قضات از حیث رعایت شوون قضایی و رسیدگی به تخلفات و صلاحیت قضایی آن‌ها براساس قانون و آیین‌نامه می‌باشد» یا در ماده ۲۴ آیین‌نامه نحوه بازرسی، نظارت و ارزشیابی رفتار و عملکرد قضات موضوعات مورد نظارت و ارزشیابی اموری از قبل موارد ذیل بیان می‌گردد:

- رعایت نزاکت و اخلاق و آداب اسلامی.
- حسن خلق با همکاران و ارباب رجوع.
- رعایت شأن قضایی.
- حسن شهرت.
- توانائی جسمی و روحی.
- دانش و مهارت قضایی.
- کیفیت و کمیت کار قضایی.
- قدرت استنباط و شم قضایی.
- شجاعت و استقلال قضایی.
- رعایت نظم و انضباط اداری.
- نظارت بر امور دفتری.
- دانش و مهارت بهره‌برداری از اطلاعات و فناوری ارتباطات.
- توجه به جهات پیشگیرانه و تربیتی در امور قضایی.

ملاحظه می‌گردد که باز هم معیارهای کلی مورد توجه قرار گرفته است، هرچند به واقع برخی از این معیارها کمی هستند،

- اهمال در انجام وظایف محوله.
  - اعلام نظر ماهوی قاضی پیش از صدور رأی.
- از جمله مواد قانونی دیگر در زمینه مقررات مصوب قانونی رفتار قضات ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی است که موارد در دادرس در امور مدنی (حقوقی) یا به عبارتی برخی از موارد سلبی صلاحیت قضات را پیش‌بینی کرده است. براساس این ماده، دادرس در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نماید و طرفین دعوا نیز می‌توانند او را رد کنند. به عبارت دیگر، در صورتی که یکی از موارد زیر وجود داشته باشند، خود دادرس باید از رسیدگی امتناع کند. همچنین هر یک از طرفین نیز می‌توانند دادرس را رد کنند. موارد در دادرس را می‌توان این‌گونه مطرح نمود:
- قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس با یکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد.
  - دادرس، قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد و یا یکی از طرفین، مباشر یا متکفل امور دادرس یا همسر او باشد.
  - دادرس یا همسر یا فرزند او، وارث یکی از اصحاب دعوا باشد.
  - دادرس سابقًا در موضوع اقامه شده به عنوان دادرس یادآور یا کارشناس یا گواه اظهار نظر کرده باشد.
  - بین دادرس و یکی از طرفین و یا همسر یا فرزند او دعوای حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد.
  - دادرس یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی در موضوع مطروح باشند.
- مشابه قانون اخیرالذکر، از جمله قوانین دیگری که رفتارهای سلبی قضات در آن به طور صریح بیان گردیده است ماده ۴۲۱ قانون آیین دارسی کیفری می‌باشد که مفاد آن بسیار شبیه به ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی است. در نص این ماده هم قانون‌گذار با تغییرات بسیار جزئی، عیناً به موارد نص ماده ۹۱ قانون آیین دارسی مدنی اشاره می‌نماید و از آن‌ها به عنوان علل در دادرس یاد نموده و به عبارتی برخی از علل سلبی سازمانی را برای قاضی بیان می‌نماید.

این وادی حاوی شرایط سلبی و ايجابی و همچنین معیارهای اخلاق قضائی جهت انجام بهینه وظایف متصدیان این امر می‌باشد. معیارهای رفتارهای قضائی درحقیقت الزاماتی سلبی و ايجابی هستند که قضاط ضرورتاً ذیل آن عنوانین باید به ایفای نقش در داخل و خارج دادگاه پرداخته و وظایف خود را انجام دهن. به عبارتی این اصول بیان‌کننده عالی‌ترین مفاهیم مرتبط با کارکردهای قضائی بوده که در همه فرهنگ‌ها و نظامهای حقوقی متبولور شده است. پرواضح است که تعیین معیارهای رفتاری سلبی و ايجابی برای مشخص‌نمودن حیطه وظیفه و جلوگیری از خطاهای احتمالی از یکسو و بالا بردن راندمان، بهره‌وری و کارایی دستگاه قضا و تحقق دادرسی عادلانه و حکومت قانون که بالاترین هدف این سیستم می‌باشد، از سوی دیگر الزامی است. بنابراین ضروری است که معیارهای رفتاری هم داخل و هم خارج از دادگاه معین شود.

استناد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی متفاوتی در این زمینه به رشته تحریر درآمده‌اند، لکن یکی از جامع‌ترین استناد بین‌المللی در موضوع اخیرالذکر، سند بین‌المللی بنگلور است که حاوی شش ارزش بنیادین استقلال، بی‌طرفی، سلامت، نزاكت، برابری و صلاحیت و پشتکار است. بدیهی است با توجه به خلاصه وجود یک سند اخلاق قضائی جامع در نظام قضائی ایران بررسی مطالب اخیرالذکر الزامی می‌باشد. اصول رفتار قضائی بنگلور با نگاهی اخلاقی و آرمانگرایانه، قواعد رفتار قضات را بیان نموده که قابل استفاده در نظام حقوقی داخلی می‌باشد، زیرا معیار بایدها و نبایدها در رفتارهای قضائی اخلاق می‌باشد هر آنچه ناقض اخلاق است به عنوان رفتار سلبی و آنچه اخلاق را تقویت می‌کند، رفتار ايجابی است.

از متن سند رفتار قضائی بنگلور به مانند هر متن فراملی دیگری انتظار نمی‌رود که کاملاً منطبق بر آموزه‌های دینی و اخلاقی حکومت‌های اسلامی باشد، اما واقعیت این است که چون مبنای تصویب آن اخلاق بوده و آموزه‌های دینی و مذهبی ما هم براساس اخلاق بنا گذاشته شده‌اند، بنابراین رفتارهای سلبی و ايجابی سند رفتار قضائی بنگلور انطباق زیادی با آموزه‌های دینی و قانونی ما در مورد رفتارهای ايجابی و سلبی قضائی دارد. بنابراین می‌توان گفت این سند بنیادین به گونه‌ای اخلاق‌مدارانه تهیه شده که حتی در جوامع مذهبی، مانند اسلام نیز قابلیت پذیرش دارد. این سند، اصول و ارزش‌های اساسی

لكن برای سنجش برخی دیگر باید معیار کمی معین گردد، مانند صراحة نص ماده ۱۲ آئین‌نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب سال ۱۳۹۲ که در آن قانون‌گذار اقدام به تعریف رفتار خلافشان قضائی نموده و استعمال الفاظ نامناسب با شأن قضائی، تندخوی نسبت به مراجعین یا همکاران دفتری و قضائی، استفاده از لباس نامناسب و غیرمعتراف در ملائمه‌عام یا محل کار، ارتباط نامتعارف با طرف پرونده و کلا یا کارشناسان، همنشینی با افراد ناباب و کسانی که دارای سوء‌شهرت هستند را از مصاديق بارز رفتارهای خلافشان این صنف قرار داده است.

چنانچه ملاحظه می‌گردد این امر بدیهی است که با لحاظ قوانین خاص اخیرالتصویب در سوابع نزدیک و برخی از تصریحات قانونی در این زمینه، هنوز این مقررات نیاز به تکمیل دارند، لکن اگر نگاه گذرای دیگری بر قوانین رفتار قضائی بنگلور داشته باشیم، کلیه اصول ايجابی و سلبی معنون در قوانین موضوعه و فقه اسلامی در این سند رفتاری تجمعی گردیده است با این تفاوت که سند مذکور به صراحة چارچوب‌های رفتار قضائی را مشخص نموده، به خلاصه‌گویی بسنده نکرده و در تمامی ارزش‌های معنون علاوه‌بر تعریف کامل و جامع آن اصل، به بیان رفتارهای ايجابی و سلبی مورد نظر پرداخته است. بنابراین با عنایت به اخلاق‌مداربودن این اصول می‌توان استفاده شایسته‌ای از آن در باب تکمیل قوانین رفتاری قضائی نمود.

### نتیجه‌گیری

پاییندی به تعهدات وظیفه خطیری است که باید در تمامی مشاغل موردنظر قرار گیرد، لکن مقدمه ایجاد عدالت در جامعه رعایت اصول اخلاقی توسط متصدیان امر قضا می‌باشد. اهمیت صلاحیت اخلاقی، علمی و حرفة‌ای قضات با عنایت به رابطه تنگاتنگ و همپوشانی عدالت و اخلاق لزوم تعیین و رعایت معیارهای رفتار قضائی به منظور اتخاذ رویکرد شایسته‌سالاری و انتخاب اصلاح در جذب و استخدام قضات و آموزش پویمانی برای تربیت قضات دارای دانش، مهارت، اخلاق و تعهد حرفة‌ای و پیش‌بینی طرقی جهت نظارت و کنترل به منظور نگاهداشت آن‌ها در طول خدمت الزامی است. برای تحقق سلامت قضائی وجود استانداردهایی جهت تعیین معیارهای رفتار حرفة‌ای قضاؤت و ایجاد رویه‌ای قانونمند و منسجم برای نظم‌بخشی رفتارهای قضائی الزامی است. مباحث مطروحه در

قضات مصوب سال ۱۳۹۰ و آئین نامه اجرایی آن و امثال‌های، لکن این امر بدیهی است که باعنایت به اجمال‌گویی و عدم شفافیت در قوانین اخیرالذکر و تنها اکتفا به عنوان مجازات‌ها بدون شرح برخی از بایدها و نبایدها و تعیین چارچوب مناسب برای آن‌ها، قوانین فوق از مسیر عدالت فاصله گرفته و اهداف عالیه موردنظر را تأمین نمی‌نمایند، چراکه مشخص نمودن حدود موارد ممنوعه از موارد الزامی قواعد صحیح رفتاری می‌باشد. سیستم حقوقی اسلامی ما قرن‌ها پیش ارزش‌های معنون در سند رفتار قضائی بنگلور را لحاظ نموده و مبنای دادرسی عادلانه قرار داده است، لکن ابهام در تعیین حدود و مقیاس رفتارهای سلبی و ايجابی در زمینه رفتار قضائی، عدم شفافیت و عدم وجود منبع جامعی در این زمینه باعث اشکالاتی در روند اجرای این ارزش‌ها هم برای متصدیان امر قانون‌گذاری و هم برای قضات محترم گردیده است.

با عنایت به چارچوب‌های تعیینی در قوانین موضوعه دولت جمهوری اسلامی ایران و بررسی و مذاقه در اصول سند رفتار قضائی بنگلور که مورد پذیرش مسؤولین بالادستی و جامعه حقوقی ایران است. پیشنهاد می‌گردد مسؤولین امر در ابتدا به بیان و تشریح معیارهای سلبی و ايجابی و تعیین چارچوب‌های رفتارهای قضائی به طور کامل، مفصل و شفاف پرداخته و متعاقب آن نتایج تخطی از این امور را بیان نمایند، چراکه این‌گونه تبیین مسائل، انطباق بیشتری با اصول و قواعد فقهی، حقوقی و قوانین مصوب داشته و عدالت نمود بهتری پیدا می‌کند.

**ملاحظات اخلاقی:** ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

**تقدیر و تشکر:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را داریم.

**سهم نویسنده‌گان:** نگارش این مقاله براساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.

**تضاد منافع:** این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

Riftar قضائی را برمبنای ایجاد یک چارچوب قضائی برای نظام‌بخشی Riftar قضائی تبیین نموده است، و از آنجاکه تیجه یک مطالعه تطبیقی در نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی و کامن‌لا است، در پی ارائه استاندارد Riftar قضائی و تقویت یکپارچگی قضائی می‌باشد و در اکثر موارد موضوعاتی را مطرح می‌نماید که در نظام حقوقی اسلام نیز دارای سابقه‌ای دیرین است.

با عنایت به این مهم که Riftar مطلوب قضات لازمه یک دادرسی عدلانه می‌باشد، علیه‌هذا معیارهای ايجابی Riftarهای قضائی فردی و سازمانی در داخل و خارج از دادگاه شامل هوشمندی، شم قضائی، مهارت‌های ادراکی، مدیریت محیط، شجاعت، دانش قضائی، تفکر راهبردی، تعالی جویی، توان مذاکره و ارتباطات، هدفگذاری، دانش حقوقی، مدیریت Riftarهای سیاسی، آگاهی محیطی، پاک‌امانی، سرمایه اجتماعی، شایسته‌سالاری، اخلاق‌مداری، نظام و آراستگی، تعهد و عدالت، Riftar شهرهوندی، نظارت و کنترل، اخلاق قضائی، برنامه‌ریزی در کنار ارزش‌های بنیادینی مثل استقلال، تضمین بی‌طرفی قضائی، تقویت کارآمدی قضائی، پاک‌دستی و صداقت در انجام تکلیف، حفظ شوون قضائی، تقویت خودارتقاوی، شکوفایی، محدودیت‌های فعالیت‌های غیر قضائی و سایر مباحث مربوطه در ذیل این عنوانین و تعیین معیارهای سلبی فردی و سازمانی Riftar قضائی شرایط تحقق یک دادرسی منصفانه را با توجه به حکومت قانون فراهم می‌نماید.

با تدقیق در مباحث مطروحة و قوانین موضوعه دولت جمهوری اسلامی ایران، با وجود پذیرش تمامی ارزش‌های سلبی و ايجابی Riftarهای قضائی، قانون‌گذار به جای تشریح و تدوین ارزش‌های فوق‌الذکر و بیان حدود و ثور مرزهای مربوطه جهت شناخت بهتر و رعایت این اصول توسط متصدیان امر، بیشتر بر تعیین مجازات‌های تخلفات و جرایم انتظامی قضات تأکید داشته و چارچوب‌ها و معیارهای Riftarی کاملی را برای جلوگیری از این تخلفات انتظامی بیان ننموده است که این امر خود جای تأمل دارد، هرچند که در گوشه و کنار این قوانین برخی از بایدها و نبایدها به صورت ناقص عنوان گردیده است. به عنوان مثال موادی از قانون اصول تشکیلات عدیله، قانون مجازات عمومی و نظام‌نامه راجع به تشخیص انواع تصریفات انتظامی قضات و تعیین مجازات آن‌ها مصوب سال ۱۳۰۴، قانون نظارت بر Riftar

**منابع و مأخذ****الف. منابع فارسی**

- فرجزادی، علی‌اکبر (۱۳۹۷). «معرفی اجمالی اصول بنیادین دادرسی در اسلام». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی (دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری)*, ۵(۱۹): ۳۷-۸۰.
- قانون استخدام قضات و صاحب منصبان پارکه و مبادرین ثبت اسناد. مصوب ۱۲/۲۸/۱۳۰۶.
- قانون اصلاح پاره‌ای ازمواد قانون تکمیل قانون استخدام قضات. مصوب ۱۰/۱۱/۱۳۱۷.
- قانون اصول تشکیلات عدیله. مصوب ۰۴/۲۷/۱۳۰۷.
- قانون رسیدگی به صلاحیت قضات. مصوب ۰۲/۱۷/۱۳۷۶.
- قانون صلاحیت محکمه انتظامی. مصوب ۰۸/۱۳/۱۳۰۹.
- قانون نظارت بر رفتار قضات. مصوب ۱۳۹۲.
- کاظم‌زاده، علی (۱۳۹۱). *تنقیح و تحلیل مقررات انتظامی قضات*. تهران: چاپخانه روزنامه جمهوری اسلامی ایران.
- لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات. مصوب ۱۴/۱۲/۱۳۳۳.
- محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). *شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام*. چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مرادیان، مهدی (۱۳۹۷). *تحقیقات قضائی*. چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه قوه قضائیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). *تقد و بررسی مکانیزم‌های اخلاقی*. تهران: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نجفی، محمدحسن (۱۹۸۱). *جوهر الكلام في شرح شرائع الإسلام*. چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- یاسینی، علی (۱۳۹۵). «ارائه الگوی سوء‌رفتار سازمانی معلمان در مدارس دولتی با رویکرد طولی». *دوفصلنامه مدیریت برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزش*.
- ب. منابع انگلیسی**
- Code of Judicial Ethics dated 21.11.2016 (adopted by the VII Congress of Judges of the
- ابن بابویه، محمد بن علی الصدوq (۱۳۶۲). *الخصال*. چاپ اول، قم.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). *حقوق کیفری بین‌الملل*. تهران: انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.
- آینه‌نامه نحوه جذب، گرینش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضاء و استخدام قضات. مورخ ۰۲/۲۸/۱۳۹۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۹). *ترمینولوژی حقوقی*. چاپ سی‌ودوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حسینی عاملی، سیدجواد بن محمد (بی‌تا). *مفتاح الكرامه في شرح قواعد العلامه*. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- خدری، صالح (۱۳۹۳). «اصول دادرسی در داوری تجاری بین‌المللی». *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*, ۴(۴۴): ۵۲۷-۵۴۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۹۶). *المفردات في عربی القرآن راغب اصفهانی*. تهران، انتشارات آراس.
- ژرژگورویچ (۱۳۷۱). *مسائل جامعه‌شناسی*. ترجمه مصطفی رحیمی، چاپ دوم، تهران: سروش.
- شاهچراغ، سیدحمیدرضا (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی مسؤولیت مطلق کیفری در حقوق ایران». *مجله حقوقی دادگستری*, ۷۸: ۷۷-۱۱۴.
- شاه‌حیدری‌بور، محمدعلی (۱۳۹۶). *شرح اصول رفتار قضائی* (بنگلور). تهران: خرسندی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۹۰). *الستیصال فيما اختلف من الأخبار*. چاپ اول، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- عراقی، آقاضیاء‌الدین (بی‌تا). *القضاء*. قم: چاپخانه مهر.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (بی‌تا). *تذکره الفقهاء*. چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت.

Republic of Kazakhstan on November 21, 2016).  
<https://www.sud.gov.kz>.

- Colbert, A., Mount, M., Harter, J., Witt, L & Barrick, M (2004). “Interactive Effects of Personality and Perceptions of the Work Situation on Workplace Deviance”. *Journal of Applied Psychology*, 89(4): 599-609.
- MacKay, W (1998). “*Judicial Ethics: Exploring Misconduct and Accountability for Judges*”. Report to the Commonwealth Judicial Education Institute.
- Thomas, J (2015). *Judicial Ethics in Australia*. Sydney: Law Book Company.
- Yu, H & Shore, L (2003). “Independence, Impartiality and Immunity of Arbitrators - US and English Perspectives”. *The International and Comparative Law Quarterly*, 52(4): 935-967.



Volume 4, Issue 3, 2023

## Rethinking and Auditing the Negative and Positive Criteria of Judicial Behavior in Iran's Legal System and the Bangalore International Document

Zahra Akbari<sup>\*1</sup>, Mohamad Ali Ardebili<sup>2</sup>, Mohammad Ashouri<sup>3</sup>, Nasrin Mehra<sup>2</sup>

1. PhD, Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran Iran.

3. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 69-86

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: 000000000000

Email: zk.1234@yahoo.com

Article history:

Received: 07 Jun 2023

Revised: 01 Aug 2023

Accepted: 04 Sep 2023

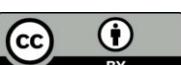
Published online: 23 Sep 2023

Keywords:

Criteria of Judicial Conduct, Affirmative and Negative, The Bangalore Principles of Judicial Conduct, Conduct Inside and Outside an Organization.

### ABSTRACT

The judicial system, as one of the most important pillars of the fulfillment of justice and the revival of public rights borrows its spiritual influence and health from the performance of its officials a person who is in a judgment position has to be required as a general requirement to observe all the affirmative and negative criteria of the judicial behavior so that his/her verdict may not be doubted by any party. These requirements include the affirmative or negative criteria of personal and organizational behavior, the indicator and the fundamental principles that result in a fair trial and have been recognized internally in documents like the Bangalore Principles of Judicial Conduct. Emphasizing the fact that the implementation of standardized methods is of significant importance in judicial management in terms of people's rights the goal of the current study is to explain and describe the indicator and criteria specified in the Iranian judicial system and Bangalore Principles of Judicial Conduct using a descriptive and analytical methodology. In this regard, the current study attempts to describe the affirmative and negative criteria of judicial behavior in the Iranian judicial system and Bangalore Principles of Judicial Conduct and investigate some shortcomings in this area.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

**How to Cite This Article:** Akbari, Z., Ardebili, MA., Ashouri, M & Mehra, N (2023). "Rethinking and Auditing the Negative and Positive Criteria of Judicial Behavior in Iran's Legal System and the Bangalore International Document". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 4(3): 69-86.